

بنام آفریننده هستی ها

شوا به عمر تو میرانم سلام و دور تو یادگار مادریان تو افتخار آفر
 فامیل نهران تو شهر شهر نجان تو نیکار دل شسته گمان
 تو راهگس گم شدگان این عید عیدان است
 کشتن تو خالوان افتخار انگیزای گویم واسه ورم در کمال
 سلامت رکابی گنجه نهند منی و کس عیب زور دانه اوقات
 و نه صورت همسر گس همگی حق نبرد عید سلامی سعادت نه اهل است درام

فرمان کر

۱۳۱۱
